



در رابطه با بحث تکنولوژی و امنیت ملی، گفتگویی داشتیم با آقای ملکی معاونت آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه.



س- آقای ملکی با تشکر از اینکه امکان این گفت و شنود را به مجله داده‌اید. ممکن است مفهوم امنیت ملی را در چارچوب تحلیلهای کلاسیک بیان کنید؟

● امنیت ملی به مفهوم به کارگیری قدرت در جهت محافظت و تقویت آن دسته از منافع اقتصادی و سیاسی است که در صورت از بین رفتن می‌تواند به ارزش‌های بنیادین و حیات کشور لطمه وارد کند. این به کارگیری قدرت نیز بر حسب اهداف ملی و ایدئولوژیک صورت می‌گیرد. در همین چارچوب امنیت ملی بطور کلاسیک صرفاً در قالب نیروها و قابلیت‌های نظامی کشور مطرح می‌شود.

لیکن در نتیجه دهه ۱۹۷۰ این مفهوم سنتی دچار تغییراتی شده است؛ یعنی ابعاد اقتصادی به خود گرفته است، بدین ترتیب که به ضرورت دسترسی به منابع انرژی و مواد خام و همچنین نیاز به یک سیستم پولی که دستیابی به اهداف فوق را تسهیل سازد، تأکید می‌شود.

س- با توجه به تحولات تکنولوژیک برق آسا در سطح جهانی بنظر شما این تحولات چه تأثیری در مفهوم امنیت ملی ایجاد کرده‌اند؟

● به نظر من جهان در حال یک تحول همه جانبه است که علت عمده آن، تغییرات و تحولاتی است که در صحنه‌های مختلف بوجود آمده. بعد از انقلاب صنعتی و پیشرفت تکنولوژیک، در حال حاضر انقلاب دیگری به نام انقلاب انفورماتیک یا انقلاب میکروالکترونیک در حال شکل گیری است. این انقلاب در نتیجه رشد سریع تکنولوژی و دستیابی به روشها و فنون جدید می‌باشد، و مهم تر از آن رشد سریع ارتباطات و تبادل اطلاعات شکل جهان را تغییر داده و مثل سابق طوری نیست که مردم یک کشور از وقایعی که در کشور دیگر رخ می‌دهد بی اطلاع باشند، اکنون به دلیل وجود ماهواره‌ها و دستگاههای ارتباطی بسیار پیشرفته تمام دنیا از وقایعی که در یک گوشه از دنیا اتفاق می‌افتد مطلع می‌شوند و این باعث شده مرزها تا حدودی بی‌رنگ شوند. این تغییر و تحولات که در زمینه تکنولوژی و اطلاعات ایجاد شده، باعث پیدایش روند تغییراتی در مفاهیم و واژه‌های سیاسی هم شده است. بنابراین امنیت ملی یک کشور دیگر به معنای وجود مرزهای غیر قابل نفوذ و یا کشیدن یک دیوار چین به دور آن نیست، و ما نمی‌توانیم به دنبال مرزهای غیر قابل نفوذ باشیم؛ بلکه از این پس امنیت ملی کشورها به توانایی‌هایی

روابط بین الملل حاکم شود روابط اقتصادی حاکم بر کشورهاست و یا بهتر است بگوئیم این مسئله نسبت به قبل اهمیت بیشتری پیدا کرده و روابط سیاسی را تحت الشعاع قرار داده است. این تحولی که در جهان رخ داده در برخی موارد، رقابت‌های شدیدی بوجود خواهد آورد.

این رقابتها ممکن است مسائل سیاسی و نظامی را پیش بکشد کما اینکه به جنگ خلیج فارس و تجاوز عراق به کویت اگر از زمینه اقتصادی هم نگاه کنیم یک سری عوامل و پارامترهای رقابتی و یا حتی بعضی اتحادیه‌ها شاید در آن ملحوظ شده باشد. به هر رو، جهان جهانی است که در دوران پس از جنگ سرد قرار گرفته، و اولویت‌های یک چنین جهانی بر پایه مزیت‌های اقتصادی و تفاهم بر سر حل مسائل منطقه‌ای قرار دارد و ما در یک چنین فضایی بخوبی می‌توانیم کار کنیم و منافع کشور را تأمین نمائیم.

س- به نظر شما توسعه کدام تکنولوژیها، نقش محوری در رشد بنیادین اقتصادی و نتیجتاً تحکیم امنیت ملی ایران در عصر جدید خواهند داشت؟

● بنظر من نوع تکنولوژی در شرایط کنونی برای کشور ما اهمیت ثانویه دارد، مهم این است که تکنولوژی‌هایی که ما می‌گیریم باید با آموزش و فراگیری دانش فنی و استفاده بهینه از آنها بتوانیم استفاده کنیم و بدین ترتیب کشور ما از هر لحاظ بی‌نیاز خواهد شد؛ یعنی به اعتقاد من فراگیری دانش فنی مهم تر از خود جذب تکنولوژی است. اگر بخواهیم در مورد خود تکنولوژی صحبت کنیم ما ظرفیتهای تکنولوژیک مناسبی در صنایع سنگین داریم و اگر در این رشته‌ها سرمایه گذاری کنیم در داخل کشور خواهیم توانست نیازها را پوشانیم و حتی به صورت یک رقیب در بازار جهانی ظهور کنیم. البته این نیاز به فراگیری و آموزش دارد و خود آن نیز نیاز به تقویت در بخشهای نرم افزاری دارد که نقش تعیین کننده‌ای در رشد انواع تکنولوژیها دارند.

در مجموع می‌توان گفت آنچه که ورود تکنولوژی را به عامل سازنده‌ای بدل سازد، نحوه برخورد ما با آن است و اینکه بتوانیم آنرا مهار کنیم و نهایتاً به مرحله ابتکار برسانیم.

مصاحبه پایان یافت و من دفتر آقای ملکی را بسوی کتابخانه مرکز مطالعات ترک کردم. با این احساس که توانسته‌ام با یکی از دست‌اندرکاران سیاست خارجی کشور صحبتی گرم و دوستانه بر محور مسائلی نسبتاً تازه داشته باشم؛ آقای ملکی از نسل مسئولینی است که با روزنامه نگاران برخوردی « باز » دارند، نسلی که هرچند دیگر استثنا نیستند اما هنوز قاعده نشده‌اند؛ ■

## جهان

### در حال يك تحول

### همه جانبه است

بستگی دارد که به عقیده من تواناییهای اقتصادی، تواناییهای اجتماعی، تواناییهای سیاسی و در نهایت توانایی‌های نظامی عمده‌ترین شاخصهای آن می‌باشند. از طرف دیگر تهدیدهای نظامی دیگر بصورت قبل مطرح نیست یعنی به اعتقاد من، در حال حاضر اگر کشورها از نظر اقتصادی و اجتماعی دارای مزیت‌های نسبتاً شناخته شده باشند می‌توانند در راستای تحکیم و تقویت امنیت ملی خود گام بردارند، و در غیر اینصورت توانایی‌های نظامی‌شان هر قدر هم که قوی باشد به تنهایی جواهدگر نیست.

اخیراً در مورد نقش اقتصاد خیلی صحبت شده و محور تحولات اخیر در جهان اقتصاد شناخته شده، یعنی روابط بین الملل و روابط بین سازمانهای بین المللی بجای اینکه مثل دهه ۷۰ حول مسائل سیاسی و نظامی بگردد، بیشتر حول مسائل اقتصادی خواهد بود ولی باز کشورهای می‌توانند موفقیتر باشند که از نظر اجتماعی، ظرفیت و توان لازم را داشته باشد و این شرایط در صورتی حاصل می‌شود که بین مردم و حکومت یک رابطه معقول حکم‌فرما باشد، یعنی مردم حکومت را مشروع بدانند و حکومت نیز مردم را در صحنه نگاه دارد. حکومت‌های دیکتاتوری و رژیمهایی که اساس آنها فرد گرایی و عدم استفاده از نیروی خلاق مردم باشد، نه تنها در بخش اقتصاد بلکه در کلیه بخشها دچار اشکال خواهند شد.

س- براساس آنچه که گفتید ما با تعریف تازه‌ای از امنیت ملی و رابطه آن با تکنولوژی روبرو هستیم لطفاً در این رابطه توضیح بیشتری بدهید؟

● به نظر می‌رسد چیزی که مسرود تا بر کل